

## کلمة الله العليا

### کلمه‌ی برتر الله

أول ما خلق الله سبحانه وتعالى الإنسان قال للملائكة: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>(1)</sup>. وهذا الخليفة الأول في هذه الأرض هو نبي الله آدم ع.

خداوند سبحانه و متعال در ابتدای خلقت انسان به ملائکه می فرماید: ((**من در زمین خلیفه و جانشینی می گمارم**))<sup>(۲)</sup> و این نخستین خلیفه و جانشین در این زمین، پیامبر خدا، حضرت آدم ع بود.

ولم تنقطع هذه الخلافة فيما مضى ولا تنقطع إلى يوم القيامة، وكما انقسم الملائكة إلى مقر بهذه الخلافة ومنكر جاحد كافر بكلمة الله كذلك عاد الأمر الأول ليتكرر كل مرة على هذه الأرض لينقسم الناس على هذه الأرض إلى قسمين، قسم اتبع المنكر الأول (إبليس) للأمر الأول، وقسم اتبع المقرين الأوائل (الملائكة) للأمر الأول، هذه هي كلمة الله العليا التي تتكرر في كل زمان فينقسم الناس إلى مقر بها ومنكر لها.

این خلافت و جانشینی در گذشته قطع نشد و تا روز قیامت نیز قطع نخواهد شد. همان طور که فرشتگان به دو دسته تقسیم شدند که گروهی این خلافت را پذیرفتند و گروهی انکار کننده‌ی ناسپاس کافر به کلمه‌ی الله شدند، این وضعیت نخستین به همین شکل بر این زمین تکرار می شود تا مردم به دو گروه تقسیم شوند؛ گروهی انکار کننده‌ی نخستین در آزمایش نخستین (ابلیس) را پیروی می کنند، و گروهی دیگر اقرار کنندگان نخستین در آزمایش نخستین (ملائکه) را. این همان کلمه‌ی برتر الله است که در هر زمان تکرار می شود و مردم به دو دسته‌ی اقرار کنندگان و منکران به آن تقسیم می شوند.

1- البقرة: 30.

2- بقره: 30.

خليفة الله في أرضه هو كلمة الله فمن أقره كان من الموحدين ومن أنكره كان من المشركين، هكذا وببساطة وبدون أي تعقيد. ففي كل زمان يوجد موسى وعيسى ومحمد والحسين عليه السلام، بل كل الأنبياء والأوصياء متمثلون في شخص خليفة الله في أرضه، فمن أنكر خليفة الله في أرضه فهو منكر لموسى ع وإن ادعى أنه يهودي، ومنكر لعيسى وإن ادعى أنه مسيحي، ومنكر لمحمد وإن ادعى أنه مسلم، ومنكر للحسين وإن ادعى أنه من شيعة الحسين بن علي ع، وهكذا يكون الجهاد لإعلاء وإظهار أمر خليفة الله في أرضه؛ لأنه كلمة الله وخليفة الله الذي عينه الله سبحانه وتعالى. ولأن التوحيد يكون بمعرفته فبهم يعرف الله فمن عرف خلفاء الله عرف الله ومن أنكرهم أنكر الله ومن جهلهم جهل الله سبحانه وتعالى؛ لأنهم أسماء الله الحسنی ووجه الله ويد الله سبحانه وتعالى.

خليفة و جانشين خداوند در زمينش، همان كلمه‌ی الله است که هر کس به آن اعتراف کند، موحّد و هر کس انکارش کند، مشرک است؛ به همین سادگی و واضحی، بدون هیچ قید و بندی. در هر زمانی موسی، عیسی، محمد و حسین عليه السلام پیدا می‌شود و حتی تمامی انبیا و اوصیا در شخصیت خلیفه‌ی خدا در زمينش نمود پیدا می‌کنند؛ پس هر کس خلیفه و جانشين خدا در زمينش را انکار کند در واقع انکار کننده‌ی موسی ع است حتی اگر ادعای یهودی بودن داشته باشد، و انکار کننده‌ی عیسی است حتی اگر ادعای مسیحی بودن داشته باشد و همچنین منکر محمد است حتی اگر ادعای مسلمان بودن کند و منکر حسین است هر چند ادعا کند از شیعیان حسین بن علی ع است. وضعیت جهاد برای برافراشتن و آشکار نمودن موضوع خلیفه و جانشين خداوند در زمينش نیز به همین ترتیب می‌باشد؛ چرا که او همان كلمه‌ی الله و جانشين خداوند است که خداوند سبحان و متعال تعیینش فرموده است؛ و از آنجا که توحید با شناخت و معرفت او حاصل می‌شود، پس با آنها خدا شناخته می‌شود. پس هر کس خلفای خداوند سبحان را بشناسد خداوند را شناخته است و هر کس آنها را انکار کند خداوند را انکار کرده است و هر کس حق آنها را نشناسد خداوند سبحان و متعال را نشناخته است؛ زیرا آنها همان نام‌های نیکوتر خداوند، و وجه خدا، و دست خداوند سبحان و متعال هستند.

